

فرصت‌های نابرابر اقتصادی و چالش‌های توسعه

رقابت در اقتصاد ایران

سعید توتونچی ملکی*، دکتر علی نصیری اقدم**

تاریخ دریافت ۸۹/۱۲/۲۲ | تاریخ پذیرش ۹۰/۳/۱۱

رقابت یکی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین سازوکارهای تخصیص کارای منابع است. در متون کلاسیک اقتصاد، رقابت به شرایطی اطلاق می‌شود که همه بازیگران قیمت‌پذیر باشند و کسی نتواند بر قیمت‌های نسبی تأثیر گذارد. توسعه این مفهوم دلالت بر آن دارد که جهت حاکمیت رقابت و تخصیص کارای منابع باید قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی فعالیت برای تمام بازیگران یکسان باشد. قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده قیمت‌های نسبی است. در صورتی که نظام حقوقی یک کشور به عده‌ای از بازیگران امتیازاتی اعطا و دیگران را از آن محروم کند، در واقع اصل قیمت‌های نسبی یکسان، قیمت‌پذیر بودن را مختل و پایه‌های رقابت را سست می‌کند. فرضیه مقاله حاضر این است که قوانین و مقررات جاری کشور قیمت‌های نسبی را برای فعالان اقتصادی تبعیض‌آمیز کرده و همین موضوع یکی از دلایل عدم شکل‌گیری بازارهای رقابتی و تخصیص کارای منابع در اقتصاد ایران است. نتایج مطالعه تجربی در حوزه قوانین مالیاتی، قانون بخش تعاون اقتصاد، قانون برگزاری مناقصات و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مؤید فرضیه مقاله است.

کلیدواژه‌ها: رقابت؛ انحصار؛ هزینه نسبی؛ اصل (۴۴) قانون اساسی

* پژوهشگر ارشد گروه بخش عمومی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: totonchi59@gmail.com

** دکتری اقتصاد، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مدیر گروه بخش عمومی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: alinasiri110@gmail.com

مقدمه

طی دهه‌های گذشته بنابر دلایل مختلفی، بخش دولتی در اقتصاد ایران گسترش یافته و بخش خصوصی مجال برای توسعه نیافته است. یکی از دلایلی که برای تبیین این وضعیت بیان می‌شد حاکمیت اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی بود که فعالیت‌های مهم تعیین‌کننده‌ای (نظیر بانک و بیمه، هواپیمایی، کشتیرانی و ...) را در حیطه فعالیت‌های انحصاری دولت برشمرد و بخش خصوصی را مکمل دولت در فعالیت‌های اقتصادی معرفی کرد. این اصل نه تنها به صراحت مجوز دخالت دولت در تولید بسیاری از کالاهای خصوصی را صادر کرد، بلکه آنها را در انحصار دولت و شرکت‌های دولتی قرار داد و فعالیت بخش خصوصی را در حوزه‌های وسیعی از نظام اقتصاد منع کرد.

مشکلات این نوع تقسیم‌بندی و این تبعیض‌ها بین بخش عمومی و خصوصی خیلی زود آشکار شد و با تکیه بر ذیل اصل (۴۴)، از اوایل دهه ۱۳۷۰ به تدریج مجوز ورود بخش خصوصی به فعالیت‌هایی نظیر بازرگانی خارجی، بانکداری و هواپیمایی صادر شد، ولی همچنان انبوهی از فعالیت‌ها در سیطره دولت باقی ماند، به نحوی که در اوایل دهه ۱۳۸۰ بودجه شرکت‌های دولتی به دو برابر بودجه عمومی رسید. با هدف ایجاد تغییر اساسی در این تقسیم‌بندی اقتصادی، رشد بخش خصوصی، منع تصدی‌های جدید بخش دولتی و در یک کلام توسعه رقابت و تخصیص کارای منابع، سیاست‌های کلی اصل (۴۴) در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ابلاغ شد و در سال ۱۳۸۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی^۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید تا زمینه عملیاتی شدن

۱. این قانون ابتدا با عنوان کلی «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» به تصویب رسیده بود و بعد از اتمام دوره اجرای قانون برنامه چهارم توسعه و در قالب ماده واحد طرح «اصلاح قانون موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» عنوان مذکور به «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» تغییر یافت که با تصویب این طرح در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی عنوان جدید مطرح شد.

سیاست‌های کلی را مهیا کند. با اینکه قانون مذکور ظرفیت‌های خوبی برای واگذاری شرکت‌های دولتی، عدم ورود دولت به فعالیت‌های غیرحاکمیتی، توسعه بخش تعاون و منع انحصار دارد، اما به مفهوم رقابت و چگونگی توسعه آن توجه کافی مبذول نداشته است. در این قانون به تبدیل مالکیت دولتی به غیردولتی توجه وافر شده، اما به این نکته کمتر توجه شده که اگر اقتصاد بازار رمزی داشته باشد همانا رقابت است نه مالکیت خصوصی. با اینکه حدود نیمی از مواد قانون مربوط به قانون مقابله با انحصار است ولی در این مواد به معنای رقابت و روش ریشه‌دار کردن رقابت در اقتصاد ملی توجه کمی شده است. در بسیاری از مواد برای سهم شرکت‌ها از یک بازار سقف مالکیت تعیین شده، ولی به این نکته امعان نظر نشده است که رعایت سقف‌های مالکیتی به معنای گسترش رقابت نیست.

رجوع به ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد شرط اصلی رقابت آن است که همه بازیگران اقتصادی قیمت‌پذیر باشند و کسی نتواند قیمت‌های نسبی را در جهت منافع خود متأثر کند. شرط قیمت‌پذیر بودن آن است که قیمت نسبی کالا و خدمات و همچنین قیمت عوامل تولید برای تمام بازیگران یکسان باشد. تنها در این صورت است که عملکرد آزاد نیروهای اقتصادی به تخصیص کارای منابع منجر می‌شود. تفسیر موسع قیمت‌های نسبی یکسان دلالت بر آن دارد که شرط رقابتی شدن اقتصاد وجود فرصت‌های برابر برای همه فعالان اقتصادی است. اگر اقتصادی به دنبال رقابت است باید معافیت‌های مالیاتی را در حداقل خود نگه دارد و برای فعالان مختلف اقتصادی نرخ‌های متفاوت وضع نکند؛ هزینه نسبی فعالیت در هر بازار را برای تمام فعالان یکسان کند؛ مانع و سبب ورود عده‌ای به یک بازار نشود؛ در برگزاری مناقصه‌ها بین فعالان اقتصادی مختلف تبعیض قائل نشود؛ برای فعالان بخش‌های عمومی، خصوصی و تعاونی هیچ‌گونه امتیاز رجحان‌بخشی قائل نشود و مانند آن.

به‌طور خلاصه، شرط رقابت و تخصیص کارای منابع آن است که تا جای ممکن امتیازات و ترجیحات و معافیت‌ها یا برای همه حذف و یا برای همه برقرار شوند. با این تلقی از مفهوم رقابت، مقاله حاضر این فرضیه را مطرح می‌کند که قوانین و مقررات حاکم

بر نظام اقتصادی ایران شرط فرصت‌های برابر برای همه را نقض کرده، مانع از تحقق پیش‌زمینه‌های اقتصاد رقابتی و تخصیص کارای منابع می‌شود. برای ارزیابی این فرضیه، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون برگزاری مناقصات، قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در هر مورد این پرسش مطرح می‌شود که آیا قانون مذکور فرصت برابری را برای همه فعالان اقتصادی مهیا کرده یا حاوی تبعیض بین بازیگران مختلف است؟

در این راستا، مقاله بدین ترتیب سازمان‌دهی شده که پس از مقدمه مبانی نظری مقاله ارائه شده است. در این بخش تشریح می‌شود که چرا شرط تخصیص کارای منابع وجود فرصت‌های برابر است. پس از آن قانون مالیات‌های مستقیم، قانون برگزاری مناقصات، قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد با این سنگ محک مورد مطالعه قرار می‌گیرد که آیا قوانین مذکور هزینه نسبی یکسانی را برای فعالان اقتصادی مهیا می‌کنند یا خیر؟

۱ مبانی نظری رقابت

لیونل رابینز علم اقتصاد را علم تخصیص منابع کمیاب بین نیازهای نامحدود تعریف کرده است و اقتصاددانان به دنبال ساختارهایی بودند که وقتی فعالان اقتصادی در چارچوب آنها نفع شخصی خود را دنبال می‌کنند تخصیص منابع محدود به کاراترین شکل ممکن صورت پذیرد. رقابت شکلی از ساختار بازار است که کمک می‌کند هر منبع به باارزش‌ترین مورد استفاده‌اش تخصیص یابد. اما اینکه رقابت چیست و چگونه قابل دستیابی است محل بحث‌های دامنه‌داری بوده است. تحقق ساختار رقابتی منوط به برقراری فروضی چون تعدد عوامل اقتصادی، وجود اطلاعات کامل، آزادی ورود و خروج و قیمت‌پذیر بودن عوامل اقتصادی است. برخی از این فروض نه تنها امکان تحقق بیرونی ندارند، بلکه تحقق آنها مطلوب نیست. برای مثال، در شرایط خاصی وجود دو تولیدکننده نیز برای ایجاد نتیجه

رقابتی (برابری قیمت و هزینه نهایی) کفایت می‌کند. در این شرایط تعدد عوامل اقتصادی نه لازم است و نه مطلوب.

با اینکه هنوز شرایط فوق برای تحقق رقابت لازم تلقی می‌شود، اقتصاددانانی چون رابینسن از دهه ۱۹۳۰ استدلال کرده‌اند که تنها شرط رقابت آن است که عوامل اقتصادی قیمت‌پذیر باشند.^۱ قیمت‌پذیر بودن عوامل اقتصادی بدان معناست که همه آنها با قیمت‌های نسبی یکسانی مواجه باشند. قیمت نسبی صرفاً به معنی نسبت قیمت کالاها و خدمات به یکدیگر نمی‌شود و طیف وسیعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد. قیمت‌های نسبی که با شیب قید بودجه افراد ترسیم می‌شوند در واقع کلمه انعکاس فرصت‌ها و قیودی هستند که افراد برای بهره‌مندی از کالاها و خدمات، استفاده از نیروی کار و سرمایه، ورود به بازارهای مختلف و نظایر آن پیش روی خود دارند. افراد با توجه به این قید و شکل ترجیحات خود تصمیم می‌گیرند که آیا مثلاً در فلان فعالیت سرمایه‌گذاری کنند یا فلان کالا را تقاضا کنند یا فلان خدمت را عرضه کنند یا خیر. بنابراین، قیمت‌های نسبی نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیمات اقتصادی افراد دارند.

اما قیمت‌های نسبی خود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارند. مثلاً آن‌طور که هکشر و اوهلین در صورت‌بندی نظریه تجارت خود بیان کرده‌اند قیمت‌های نسبی تابعی از وفور عوامل تولید است. در کشوری که نیروی کار فراوان دارد قیمت کالای کاربر نسبت به قیمت کالای سرمایه‌بر کمتر است و بالعکس. آن‌طور که نظریه‌های جدید اقتصادی و از جمله نظریات نهادگرایی اذعان می‌دارند، محیط کسب و کار و هزینه‌های انجام مبادله در درون این محیط، از دیگر عوامل مؤثر بر قیمت‌های نسبی به‌شمار می‌آیند. در این میان قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی هر کشوری نیز تأثیر مهم و معناداری در شکل‌گیری قیمت‌های نسبی دارند و در اینکه تصمیم‌گیران منفرد اقتصادی چه علامتی

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد به مقالات زیر رجوع کنید:

- Robinson, Joan (1993). "The Economics of Imperfect Competition".

- Robinson Joan (1934). "What is Perfect Competition?", *Quarterly Journal of Economics*.

دریافت می‌کنند و چگونه منابع در اختیار خود را تخصیص می‌دهند، مؤثرند. برای مثال، وقتی که یک شرکت خصوصی اجازه واردات بنزین نداشته باشد یا نتواند از دولت نفت خریداری کند، هزینه و قیمت نسبی این فعالیت‌ها برای او به سمت بی‌نهایت میل می‌کند و در نتیجه باید منابعش را به سمت سایر فعالیت‌ها سوق دهد. وقتی واردات کالا در مناطق آزاد معاف از حقوق ورودی است یا وقتی فعالیت شرکت‌های تعاونی تا حدی معاف از مالیات‌اند بدین معناست که هزینه نسبی این فعالیت برای فعالان کمتر است و آنها با قیمت‌های نسبی کمتری مواجه‌اند.

تا اینجا چنین استدلال شد که اول، شرط رقابتی بودن بازار و تخصیص کارای منابع این است که همه عوامل اقتصادی با قیمت‌های نسبی یکسانی مواجه باشند؛ دوم، قیمت‌های نسبی، قیود پیش روی افراد را شکل می‌دهند و دایره شمول آنها بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که معمولاً تصور می‌شود. این قیمت‌های نسبی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر تمام تصمیمات اقتصادی افراد دارند و سوم، قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی یک کشور در زمره مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های قیمت‌های نسبی قرار گرفته‌اند و از این رو تأثیر بسزایی در کارایی یا ناکارایی تخصیص منابع دارند. بنابراین، اگر به دنبال آن باشیم که امورات یک اقتصاد به شیوه‌ای رقابتی سازمان‌دهی شود چاره‌ای نداریم جز اینکه برای همه فعالان اقتصادی قیمت‌های نسبی یکسان یا فرصت‌های اقتصادی برابر مهیا کنیم. اگر قوانین و مقررات طوری تدوین شوند که فرصتی را برای عده‌ای خاص مهیا و از دیگران دریغ کنند و به زبان اقتصادی موجب مختل شدن شرط برابری قیمت‌های نسبی شوند نباید انتظار داشت که نتایج رقابتی به دست آید و هر نهاده‌ای به استفاده‌ای تخصیص یابد که بالاترین بازدهی را داشته باشد. این استدلال با استفاده از یک مدل صوری (فرمال) به راحتی قابل تبیین است.

فرض کنید در جامعه‌ای متشکل از دو فرد A و B قرار داریم که بناست موجودی مشخصی از دو کالای X و Y بین آنها تخصیص یابد. بنابر فرض هر فرد به دنبال حداکثر ساختن مطلوبیت خود با توجه به محدودیت بودجه‌ای خود است. بنابراین هر فرد تا جایی

از دو کالا مصرف می‌کند که ارزش نسبی دو کالا برابر هزینه نسبی آنها باشد. یعنی:

$$MRS_{x,y}^A = \left(\frac{p_x}{p_y}\right)^A$$

$$MRS_{x,y}^B = \left(\frac{p_x}{p_y}\right)^B$$

با توجه به اینکه تخصیص کارای منابع زمانی تحقق می‌یابد که ارزش نسبی کالاها برای

تمام اعضای جامعه برابر باشد، تنها زمانی تخصیص منابع بهینه خواهد بود که داشته باشیم:

$$MRS_{x,y}^A = MRS_{x,y}^B$$

اما زمانی که قیمت نسبی کالاها برای هر دو فرد یکسان باشد، شرط فوق برقرار

خواهد بود:

$$\left(\frac{p_x}{p_y}\right)^A = \left(\frac{p_x}{p_y}\right)^B = \frac{p_x}{p_y}$$

بنابراین، اگر به هر دلیلی قیمت‌های نسبی برای فرد A و B یکسان نباشد، تعادل بازار،

کارا نخواهد بود. استدلال اصلی این مقاله آن است که برای بهره‌مند شدن از مزایای یک

بازار رقابتی چاره‌ای وجود ندارد جز حذف عواملی که به تفاوت قیمت‌های نسبی برای

افراد مختلف منجر می‌شوند. در قسمت‌های بعد نشان داده خواهد شد که یکی از دلایل

عدم ریشه دواندن رقابت در اقتصاد ایران آن است که قوانین و مقررات حاکم بر نظام

اقتصادی ایران فرصت‌های نابرابری را برای عوامل اقتصادی مهیا می‌کند و در نتیجه با ایجاد

اختلال در پیش‌شرط اصلی رقابت، مانع از تخصیص کارای منابع می‌شوند. در این راستا،

تبعیض‌های موجود در قوانین مالیاتی، قانون برگزاری مناقصات و قانون بخش تعاون اقتصاد

مطالعه خواهد شد.

ذکر این نکته لازم است که یکسان‌سازی قیمت‌های نسبی برای تمام فعالان اقتصادی

منافاتی با سیاستگذاری اقتصادی و برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق خاص یا فعالیت‌های

خاص ندارد. برای مثال، اگر سیاستگذاری بخواهد برای توسعه مناطقی از سیستان و بلوچستان،

خراسان جنوبی یا ایلام تسهیلاتی با سود ترجیحی یا معافیت مالیاتی ارائه دهد، مانعی برای

رقابت ایجاد نکرده است چرا که شرایط برای هر کسی که بخواهد در این مناطق سرمایه‌گذاری

کند، یکسان است. یا اگر سیاستگذار بخواهد تولید یک محصول خاص (مثل خودرو) را تقویت کند با اعطای امتیازات گوناگون (البته در کوتاه‌مدت) خللی در شرایط رقابتی ایجاد نمی‌کند، مگر اینکه امتیازات به گروه یا گروه‌های خاصی تعلق بگیرد و دیگران از آن بی‌بهره باشند.

۲ امتیازات تبعیض‌آمیز در قوانین مهم کشور

با پیشرفت جوامع بشری و پیچیده شدن روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی و اقتصادی براساس برخی قواعد و ضوابط مشخص و تعیین‌شده‌ای شکل گرفته است. قواعد و ضوابط یادشده همان قوانین و مقررات تعریف‌شده در نهادهای یک جامعه‌اند. با توجه به اهمیت نهادهای اقتصادی در جوامع و همچنین اهمیت و نقش قابل توجه قوانین اقتصادی در شکل‌گیری مناسبات اقتصادی و نحوه عملکرد نهادهای اقتصادی، در این بخش از مقاله سعی شده، برخی از قوانین مهم اقتصادی به‌عنوان بستر و پایه اصلی فعالیت‌های اقتصادی بررسی شود. این بررسی با توجه به اهداف ترسیم‌شده در تدوین مقاله، تأثیر قوانین مهم اقتصادی ایران در نقض برخی از اصول اساسی شکل‌دهنده رقابت در ساختار اقتصادی کشور را بررسی کرده است.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رقابت‌پذیر بودن بخش‌های مختلف اقتصادی منوط به تحقق پیش‌فرض‌هایی است که قبلاً به آنها اشاره شد. بنابراین ضروری است قوانین اقتصادی به‌گونه‌ای تدوین شوند تا بسترهای تحقق پیش‌فرض‌های مذکور و نهایتاً رقابتی شدن اقتصاد را فراهم آورند. به‌طور مشخص عدم توجه به شرط یکسان بودن قیمت‌های نسبی و یا نقض آنها در فرایند تدوین قوانین اقتصادی، می‌تواند اصل اساسی رقابت و نهایتاً کارایی اقتصادی را مخدوش و اقتصاد را از عملکرد در نقطه بهینه دور کند. این امر هزینه‌های پنهان و آشکار بالایی را به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند و در نهایت هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی را از منافع اجتماعی آن بالا می‌برد.

قوانین اقتصادی از طریق متأثر کردن سطح هزینه‌های تمام‌شده در فرایند تولید کالاها و خدمات، رقابت‌پذیری فعالیت‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ادامه سعی شده با رویکرد مذکور (تأثیرگذاری قوانین اقتصادی بر هزینه تولید فعالان اقتصادی) تأثیر برخی از قوانین مهم اقتصادی ایران (قانون مالیات‌های مستقیم، قانون برگزاری مناقصات، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، قانون اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ...) بر چگونگی شکل‌گیری مناسبات اقتصادی و روابط بین بخش‌های مختلف اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گیرد و برخی از موارد نقض‌کننده اصل اساسی رقابت و در نهایت کارایی اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور به‌واسطه این قوانین مطرح شود.

۲-۱ قانون مالیات‌های مستقیم

مالیات منبع مالی است که از طرف مردم به دولت پرداخت می‌شود. دولت‌ها نیز در ازای این دریافت‌ها برخی تعهدات را در قبال مردم و جامعه برعهده دارند. تولید و عرضه برخی از کالاها و خدمات عمومی که در شرایط عادی هیچ بخشی از اقتصاد قادر و مایل به تولید و ارائه آنها نیست، از جمله مهم‌ترین این تعهدات است.

بنابراین درآمدهای مالیاتی به‌عنوان بخش مهمی از درآمدهای دولت در تأمین هزینه‌های دولت‌ها از جایگاه مهمی در هر نظام اقتصادی برخوردار است. علاوه بر این امروزه نظام‌های اقتصادی برخی از اهداف و سیاست‌های موردنظر سیاست‌گذاران در بخش‌های مختلف اقتصاد را از طریق اعمال سیاست‌های مالیاتی پیگیری می‌کنند. خود این امر اهمیت یک سیستم مالیاتی متشکل و کارآمد را در هر نظام اقتصادی بیش‌ازپیش روشن می‌کند.

بر این اساس می‌توان مهم‌ترین اهداف هر نظام مالیاتی را کسب درآمد برای دولت در راستای ارائه کالاها و خدمات عمومی، ایجاد محدودیت برای برخی فعالیت‌های سوداگرانه، تخصیص بهینه منابع، سیاستگذاری برای توزیع مجدد درآمد در بین دهک‌های درآمدی،

تشویق برخی از فعالیت‌های اقتصادی در برخی از بخش‌ها و ... دانست (کمیجانی، ۱۳۷۴).
نظام مالیاتی ایران براساس قانون اساسی و بر پایه قوانین مصوب مجلس پایه‌ریزی شده است. براساس اصل (۵۱) قانون اساسی وضع هر نوع مالیاتی بر مبنای قوانین مصوب مجلس شکل می‌گیرد.^۱ قوانین مصوب مجلس نیز عمدتاً شامل قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده (مالیات‌های غیرمستقیم) و برخی از احکام مرتبط با نظام مالیاتی در قوانین دیگر مانند قوانین برنامه‌های توسعه و ... است. بنابراین بدون در نظر گرفتن احکام مالیاتی مصرح در سایر قوانین اقتصادی می‌توان گفت که نظام مالیاتی ایران براساس دو قانون کلی فوق (مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده) شکل گرفته است.
در این بخش این پرسش مطرح می‌شود که آیا قوانین مالیاتی شرایط یکسانی را برای تمام بازیگران ترسیم کرده یا مشتمل بر تبعیض‌های موجود میان بخش‌های مختلف اقتصادی است.

۲-۱-۱- معافیت‌ها، تخفیف‌ها و ترجیحات مالیاتی

در اقتصاد بخش عمومی سیاست‌های مالی به‌عنوان ابزاری برای دخالت در نحوه تخصیص منابع از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. معافیت‌ها، ترجیحات و تخفیفات مالیاتی یکی از ابزار اعمال سیاست‌های مالیاتی به‌شمار می‌آیند. این نوع از سیاست‌ها با اهداف مشخصی در دوره‌های زمانی متفاوت تعریف می‌شوند.

هدف عمده این نوع از سیاست‌های مالیاتی تغییر در نحوه تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصاد است. غالباً با توجه به ضرورت‌های اقتصادی سیاست‌گذاران برخی از بخش‌های اقتصادی در مقاطعی از زمان و برحسب نیاز و اولویت‌های سیاستی از سیاست‌های تشویقی مالیاتی نظیر (معافیت، تخفیف و ترجیح) استفاده می‌کنند. بخش‌های تازه‌تأسیس،

۱. اصل (۵۱) قانون اساسی: هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به‌موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به‌موجب قانون مشخص می‌شود.

بخش کشاورزی و برخی از صنایع نوپا، تولیدات با هدف صادرات، برخی از صنایع جذب‌کننده سرمایه‌گذاری‌های خارجی و صنایع استفاده‌کننده از تکنولوژی‌های بالا، هدف عمده سیاستگذاران در ارائه این تسهیلات‌اند. در اقتصاد ایران سطح معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی بسیار گسترده و متنوع است. این امتیازات به لحاظ مدت برقراری معافیت‌ها بر دو نوع دائمی و مدت‌دار و از نظر دامنه شمول به دو گروه کامل (مطلق) و نسبی قابل تقسیم‌اند.

مهم‌ترین معافیت‌های مالیاتی در کشور معافیت مالیاتی بخش کشاورزی، واحدهای تولیدی و معدنی، معافیت‌های مالیاتی مناطق ویژه اقتصادی و مناطق محروم، معافیت مالیاتی صادرات غیرنفتی، معافیت‌های مالیاتی در آمد و حقوق و معافیت فرهنگی مانند مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی است. علاوه بر این، معافیت‌های اعطایی به برخی نهادها و بنیادها نیز در اقتصاد ایران وجود دارد. این معافیت‌ها با مجوز حکم ماده (۲) قانون مالیات‌های مستقیم ارائه می‌شود.

در یک مطالعه میزان معافیت‌های مالیاتی در اقتصاد ایران با دو روش مختلف (محاسبه به روش تولید ناخالص داخلی و روش مالیات اشخاص حقوقی و بخش کشاورزی) محاسبه شده است. در روش اول، نسبت معافیت پس از کسر فرار مالیاتی به مالیات بالقوه طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با لحاظ تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت به‌طور متوسط به ترتیب معادل $31/2$ و $19/9$ درصد برآورد شده و در روش دوم، این نسبت طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ معادل $51/5$ محاسبه شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰).

برخی از مطالعات نشان می‌دهد که در طول سال‌های اجرای قانون برنامه چهارم توسعه، بخش نفت به‌طور متوسط ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را به‌خود اختصاص داده است. در این دوره سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی اقتصاد ملی نیز به‌طور متوسط ۹ درصد برآورد شده است. با لحاظ سهم ۵ درصدی صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی در طول سال‌های اجرای قانون برنامه چهارم، می‌توان استدلال کرد

که در این دوره در مجموع حدود ۴۱ درصد از تولید ناخالص داخلی از پرداخت مالیات معاف بوده است. به عبارت دیگر در شرایط کنونی و بدون احتساب معافیت‌های آستانه (موضوع مفاد ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم) و معافیت‌های موضوع مواد (۱۳۲، ۱۴۱ و ۱۴۲) قانون فوق، تنها ۵۹ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور مشمول مالیات است (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۸۹).

معافیت‌های مالیاتی ارائه شده در اقتصاد ایران در بیشتر موارد توجیه اقتصادی و رفاهی ندارد. این معافیت‌ها در بیشتر موارد باعث تغییر در نسبت بازده خالص سرمایه‌گذاری بین بنگاه‌های بخش خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت (بخش‌های مختلف اقتصادی معاف و غیرمعاف) می‌شوند. چنین تغییری در نسبت بازده خالص سرمایه‌گذاری قطعاً به تخصیص غیرمؤثر منابع و عدم کارایی اقتصادی منجر می‌شود، بدیهی است که در این وضعیت، منابع از بخشی که تولید نهایی بالاتری دارد به بخشی که دارای بازده اقتصادی کم‌تری است، منتقل و موجب کاهش رفاه در کل جامعه می‌شود (پژویان، ۱۳۸۳).

بر این اساس انتخاب هدف و موارد بخشودگی و معافیت مالیاتی امر ساده‌ای نیست و پیچیدگی خاصی دارد که حتی با تحقیقات گسترده نیز نمی‌توان از درستی تشخیص برای اعطای معافیت اطمینان یافت. زیرا قانونی که برای معافیت‌ها در زمانی خاص برای کشوری برگزیده می‌شود، لزوماً برای سایر کشورها یا سایر زمان‌ها اعتبار ندارد. با اعطای معافیت‌های مالیاتی، گروهی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود. بنابراین، اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار مالیاتی سنگینی را بر گروه‌های دیگر جامعه وارد می‌کند. در واقع برای جبران کاهش درآمدهای مالیاتی، نرخ‌های مالیاتی بیشتری بر گروه‌هایی که از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند نیستند، تحمیل خواهد شد.

همان‌طور که اشاره شد، در قوانین جاری کشور برای برخی از بخش‌های اقتصادی معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده است. براساس مواد (۸۱ و ۱۳۳) صددرصد درآمدهای

حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی، زنبور عسل و طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات، اشجار و نخیلات از پرداخت مالیات معاف‌اند. علاوه بر این براساس ماده (۱۳۲) برای فعالیت‌های تولیدی و معدنی نیز معافیت در نظر گرفته شده است.

بخش خدمات نیز مطابق مواد (۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱ و ۱۴۲) قانون مالیات مستقیم از معافیت‌هایی برخوردار شده است. فصل اول باب چهارم قانون مالیات‌های مستقیم، با عنوان «در مقررات مختلف»، از مواد (۱۳۲ تا ۱۴۶) معافیت‌های مالیاتی را مشخص کرده است.

در مواد (۱ و ۲) باب اول بخش اول قانون مالیات‌های مستقیم به ترتیب اشخاص مشمول و غیرمشمول مالیات‌های موضوع قانون مذکور ذکر شده است. در مفاد ماده (۲) وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، دستگاه‌هایی که بودجه آنها به وسیله دولت تأمین می‌شود و شهرداری‌ها از شمول این قانون خارج شده‌اند. در تبصره «۳» این ماده تصریح شده که معافیت مالیاتی این ماده (ماده (۲)) برای مواردی که از طرف امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری دارای مجوز باشند، براساس نظر مقام رهبری تعیین خواهد شد.

تا قبل از اصلاحیه سال ۱۳۸۰ قانون مالیات‌های مستقیم براساس تصویب‌نامه شماره ۱۱۶۴۶۲/ت ۲۵۵ مورخ ۱۳۶۸/۴/۶ هفت نهاد عمومی غیردولتی که جزء نهادهای انقلاب محسوب می‌شوند،^۱ مشمول معافیت مالیاتی موضوع ماده (۲) قانون مالیات‌های مستقیم بوده‌اند، اما پس از اصلاحیه قانون مالیات‌ها این معافیت‌ها لغو و آنها نیز مشمول پرداخت مالیات شدند.

در این اصلاحیه معافیت برخی از نهادها و بنیادها (به جز آستان‌های قدس رضوی، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حرم حضرت معصومه (س)) لغو شد. به عبارت دیگر

۱. این نهادها به ترتیب عبارت‌اند از: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنیاد ۱۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی و جهاد دانشگاهی.

پس از اصلاحیه مذکور (از اول سال ۱۳۸۱) همه بنیادهای تعاون نیروهای مسلح شامل: بنیاد تعاون ارتش جمهوری اسلامی ایران، بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد تعاون وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بنیاد تعاون نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد تعاون بسیج و مؤسسات تابعه آنها مشمول مالیات شدند.

در قوانین و بخشنامه‌های موجود برخی از نهادهای عمومی غیردولتی^۱ شامل سازمان تأمین اجتماعی (موضوع بند «ج» ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم)، فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران و سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی

۱. مطابق ماده‌واحد قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب مورخ ۱۳۷۳/۴/۲۹) موضوع تبصره ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ واحدهای سازمانی مشروحه زیر و مؤسسات وابسته به آنها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی‌اند:

۱. شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری‌ها باشد،
۲. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی،
۳. هلال احمر،
۴. کمیته امداد امام خمینی (ره)،
۵. بنیاد شهید انقلاب اسلامی،
۶. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،
۷. بنیاد ۱۵ خرداد،
۸. کمیته ملی المپیک ایران،
۹. سازمان تبلیغات اسلامی،
۱۰. سازمان تأمین اجتماعی،

بعدها در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۱ مؤسسات و نهادهای دیگری به این فهرست افزوده شدند. این

مؤسسات عبارت‌اند از:

۱۱. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی،
۱۲. کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (قم)،
۱۳. جهاد دانشگاهی،
۱۴. سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران،
۱۵. بنیاد امور بیماری‌های خاص.

(موضوع بند «ی» ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم) و صندوق بیمه تأمین اجتماعی روستاییان و عشایر و مؤسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی (به موجب مفاد بند «۲» قانون مالیات‌های مستقیم) معاف از مالیات‌اند. به عبارت دیگر این نهادها در فعالیتهای اقتصادی خود ملزم به پرداخت مالیات نیستند.

تداوم معافیت مالیاتی این نهادها، آستان قدس و دو آستان دیگر (به جز آستان‌های قدس رضوی، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حرم حضرت معصومه (س)) و همچنین شرکت‌ها و مؤسسات تابعه آنها، موضوعی است که می‌تواند منشأ شکل‌گیری تبعیض بین فعالان اقتصادی باشد. این امر می‌تواند آثار ضدرقابتی را در اقتصاد ملی گسترش دهد. بررسی سطح گسترده فعالیت‌های اقتصادی و تعداد شرکت‌ها و مؤسسات این نهادها و آستان‌ها و همچنین بررسی سهم تولیدات آنها در تولید ناخالص داخلی کشور می‌تواند تأثیر فعالیت این مؤسسات و شرکت‌ها را در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور نشان دهد.

برای مثال آستان قدس رضوی یکی از موارد معاف از پرداخت مالیات‌های موضوع قانون مالیات‌های مستقیم است. آستان قدس رضوی با دارا بودن حدود ۴۴ شرکت و مؤسسه با صددرصد سهام و شصت شرکت و مؤسسه دیگر با سهام کمتر از سقف ۵۰ درصد، فعالیت‌های اقتصادی را در بخش‌های صنعتی و معدنی، کشاورزی و دامپروری و فعالیت‌های خدماتی، عمرانی و درمانی انجام می‌دهد.^۱

۱. مؤسسه سازمان اقتصادی رضوی در سال ۱۳۸۲ به منظور مدیریت و راهبری بهینه شرکت‌ها و مؤسسه‌های تحت پوشش آستان قدس رضوی تشکیل شد. این مؤسسه در مجموع سهام ۴۴ شرکت و مؤسسه که به‌طور کامل زیر نظر آستان قدس رضوی است را در اختیار دارد و در شصت شرکت و مؤسسه دیگر نیز دارای سهام کمتر از سقف ۵۰ درصد است. شرکت مسکن و عمران رضوی، شرکت ساختمان بتن و ماشین رضوی، شرکت سیمان رضوی، شرکت نان قدس رضوی، شرکت آرد رضوی، سازمان موقوفات ملک، سازمان موقوفات و کشاورزی استان سمنان (مرکز دامغان)، سازمان موقوفات و کشاورزی جنوب خراسان، سازمان موقوفات و کشاورزی چناران، شرکت کشاورزی رضوی، شرکت کشاورزی عمران جنگل‌های قدس رضوی، شرکت کشت و صنعت اسفراین (سهامی خاص)، شرکت کشت و صنعت انابد کاشمر، شرکت کشت و صنعت سرخس آستان قدس رضوی، مؤسسه باغات آستان ←

همه فعالان زیرمجموعه سازمان اقتصادی آستان قدس رضوی دارای امتیاز قانونی معافیت مالیاتی است و به واسطه این معافیت، هزینه‌های متوسط پایین‌تری را نسبت به رقبای خود در هر سطح و واحد تولید (با فرض سطح کیفیت برابر) پرداخت می‌کنند. با فرض ثبات سایر عوامل مؤثر در فعالیت اقتصادی رده‌های مختلف شغلی، شرایط نابرابر تحمیل شده به واسطه عامل برون‌زا (بخشی از قانون مالیات‌های مستقیم) می‌تواند رقابت بین فعالان اقتصادی بخش‌های مورد نظر را مختل کند. این موضوع علاوه بر ایجاد بسترهای شکل‌گیری انحصار در برخی از بخش‌های اقتصادی، می‌تواند اقتصاد را از نقاط بهینه تخصیص منابع دور کند.

در شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که آستان قدس رضوی و دو آستان دیگر (حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حرم حضرت معصومه (س)) سهام‌دار محسوب می‌شوند، شرکا یا سایر سهام‌داران، مالیات موضوع قانون مالیات مستقیم (درآمدهای حاصل از سهام) را پرداخت می‌کنند، اما آستان‌های یادشده از پرداخت مالیات سهام خود معاف‌اند. این موضوع توزیع درآمد بین فعالان اقتصادی را نیز در اقتصاد متأثر می‌کند.

به‌طور خلاصه، در اقتصاد ایران معافیت‌های مالیاتی گسترده‌ای در نظر گرفته شده است که با توجه به بلندمدت بودن آنها، هرکدام مخل قیمت‌های نسبی و تخصیص کارای منابع به حساب می‌آیند. اما برخی از معافیت‌ها که موجب تبعیض بین فعالان اقتصادی در یک رشته فعالیت مشخص می‌شوند، تخریب بیشتری دارند. از جمله این تبعیض‌ها، معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی و دو آستان دیگر در فعالیت‌های اقتصادی است که رقبای جدی

→ قدس رضوی، مؤسسه کشت و دام کهنه بیست رضوی، مؤسسه کشت و صنعت مزرعه نمونه، شرکت تهیه و تولید فرش آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (توانایی چاپ افست، چاپ صنعتی (فلسکو) و بسته‌بندی محصولات غذایی)، شرکت سیمان رضوی، شرکت شهاب خودرو، شرکت کارخانجات بنای سبک قدس رضوی (هبلکس)، شرکت کارخانجات صنایع چوب آستان قدس رضوی، شرکت معادن و گرانتیت قدس رضوی، شرکت نخریسی و نساجی خراسان، شرکت کمباین‌سازی ایران، شرکت خمیرمایه رضوی (سهامی خاص)، شرکت سهامی قند تربت حیدریه شرکت سهامی قند رضوی (آبکوه)، شرکت صنایع غذای رضوی، شرکت فرآورده‌های لبنی رضوی و ... برخی از شرکت‌های اقتصادی آستان قدس رضوی هستند.

در آن مشغول فعالیت‌اند. این موضوع به‌وضوح به نقض شرط پایه‌ای رقابت منجر می‌شود.

۲-۲ قانون برگزاری مناقصات

مناقصات دولتی به‌دلیل حجم و ارزش بالای آنها یکی از بخش‌های مهم و اساسی در اقتصاد اغلب کشورهاست. براساس گزارش سازمان تجارت جهانی، حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از ارزش تولید ناخالص داخلی^۱ کشورها به‌صورت معاملات مناقصه‌ای دولتی مورد مبادله قرار می‌گیرد (www.wto.org). این امر بدان‌معناست که حجم مبادلات جهانی از طریق مناقصات دولتی سالیانه متجاوز از ۱۰۰۰ میلیارد دلار آمریکا است (حلاج، ۱۳۸۹). بررسی سهم و ارزش عملکردی این نوع از معاملات در اقتصاد برخی از کشورهای اروپایی^۲ طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ میلادی بیانگر این واقعیت است که به‌طور متوسط سهم این نوع مبادلات در اقتصاد این کشورها در دوره یادشده معادل ۱۶/۴ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی آنها بوده است.^۳

برآورد دقیق حجم این نوع مبادلات در اقتصاد ایران مستلزم داشتن اطلاعات کامل از کم‌وکیف این نوع مبادلات است. با توجه به نبود اطلاعات دقیق و شفاف در مورد معاملات مناقصه‌ای در اقتصاد، نمی‌توان این رقم را برای اقتصاد ایران محاسبه کرد. با در نظر گرفتن حداقل رقم سهم مبادلات مناقصه‌ای دولتی کشورهای مختلف (سهم ۱۰ درصدی مبادلات مناقصه‌ای دولتی از تولید ناخالص داخلی^۴) می‌توان گفت که به‌طور

1. Gross Domestic Product (GDP)

2. A Report on the Function of Public Procurement Markets in the EU: Benefits from the Application of EU Directives and Challenges for the Future, 2004.

۳. متوسط ارزش و حجم معاملات مناقصه‌ای در پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا (بلژیک، دانمارک، آلمان، یونان، اسپانیا، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، اتریش، پرتغال، فنلاند، سوئد و انگلستان) طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ میلادی بالاتر از ۱۶ درصد مجموع ارزش تولید ناخالص داخلی این کشورها در سال‌های مورد بررسی است (www.tenders zeal.com).

۴. با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های جاری) برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۶ معادل ۲۸۹۰۳۴۷ میلیارد ریال اعلام شده است، بنابراین با فرض سهم ۱۰ درصدی مناقصات دولتی از ارزش تولید ناخالص داخلی،^۴

متوسط حجم معاملات مناقصه‌ای دولتی اقتصاد ایران از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۶ در حدود ۲۸۹۰۳۴/۷ میلیارد ریال بوده است (حلاج، ۱۳۸۹).

با توجه به اهمیت و سهم بالای این نوع از معاملات در اقتصاد کشور، در ایران قانونی تحت عنوان قانون برگزاری مناقصات در سال ۱۳۸۳ تدوین و به تصویب رسید. این قانون که در واقع مناسبات و سازوکارهای برقراری معاملات مناقصه‌ای را مشخص کرده، در برخی از موارد زمینه‌های بروز تبعیض و نابرابری در بین برخی از فعالان اقتصادی را به وجود آورده است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۲-۲-۱ خلط شخصیت‌های دو طرف پیمان

یکی از مشکلات اساسی پیمان‌ها خلط شخصیت دو طرف پیمان است. این امر فضای غیررقابتی در کسب فرصت‌های کاری ایجاد می‌کند و عملاً رقابت کیفی و فرایند بهبود خدمات را از موضوعیت می‌اندازد. مهم‌ترین مصادیق و حالات خلط یادشده زمانی اتفاق می‌افتد که کاری از طریق پیمان به یک شرکت وابسته به کارفرما واگذار شود که دارای نیروی انسانی و اشخاص ذی‌نفع مشترک‌اند. این امر به ایجاد ارتباط ناسالم میان افراد و صاحب‌منصبان دستگاه کارفرمایی با دستگاه مجری منجر می‌شود.

معمولاً واگذاری کار به بخش‌های متناسب به سایر بخش‌های عمومی (و شرکت‌های وابسته به آنها) به همراه تصور متداول اما نادرست از این جیب به آن جیب اتفاق می‌افتد. در این نوع از واگذاری‌ها که در معاملات و مبادلات میان اجزای مختلف بخش عمومی اقتصاد کشور جاری است به هزینه‌های پنهان این مبادلات توجهی نمی‌شود و مفهوم اقتصادی معاملات را مخدوش می‌سازد.

→ حجم این معاملات معادل ۲۸۹۰۳۴/۷ میلیارد ریال خواهد بود. البته باید متذکر شد که سهم یادشده صرفاً شامل مناقصات دولتی نیست و همه معاملات مناقصه‌ای در اقتصاد ایران را شامل می‌شود. نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که در کشورهایی که بخش دولتی در آن سهم اقتصاد بالایی دارد (مانند اقتصاد ایران) طبیعی است که سهم معاملات مناقصه‌ای دولتی از تولید ناخالص داخلی در آنها بالا باشد.

بدین ترتیب اولاً، اصل کیفیت و اصل نظارت و تحویل کار با شرایط مقرر را تضعیف می‌کند و با افت کیفیت و مشخصات تحویلی، انواع هزینه‌های پنهان و مخاطره به اقتصاد بخش عمومی تحمیل می‌شود و در عین تحمیل هزینه‌ها به اقتصاد کشور توهم کسب قیمت پایین‌تر را به دنبال دارد. ثانیاً، بر اثر به حساب نیاموردن نیروی کار یا ماشین‌آلاتی که به صورت غیرمستقیم از منابع کشور هزینه شده است محاسبات این حوزه را دچار نوعی اختلال می‌کند و روزبه‌روز با توهم هزینه کمتر منابع بخش عمومی اقتصاد را مصروف و در عین حال بخش خصوصی را ناکارتر و نحیف‌تر می‌سازد (همان).

در قوانین برخی از کشورها تمهیداتی پیش‌بینی شده تا مانع از تضاد منافع در روند خریدهای دولتی شود. به عنوان مثال در فیلیپین بعضی روابط خانوادگی کارمندان یک اداره با یک شرکت به طور عملی صلاحیت انجام معامله و خرید را از آن شرکت سلب می‌کند. در کشور مالزی نیز قوانینی مشابه قوانین مذکور وجود دارد (مؤسسه موج، ۱۳۸۹).

۲-۲-۲ مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی

علاوه بر انحصار دولتی به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی تشدید انحصار در اقتصاد ایران فعالیت گسترده بخشی به با عنوان مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی است. فربه شدن این بخش از اقتصاد در فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و واگذاری‌ها یکی از مشکلات اقتصاد ایران در خصوص گسترش بخش انحصاری اقتصاد در مقابل بخش رقابتی آن به شمار می‌آید.^۱

اشتباه نگارشی در تدوین بند «ب» ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات موجب شده

۱. براساس گزارش سازمان خصوصی‌سازی طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا نیمه مرداد ۱۳۸۸، از کل ارزش سهام واگذار شده ۱۲/۵ درصد مربوط به رد دیون دولت به بخش عمومی غیردولتی بوده است (برگرفته از گزارش دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی» به شماره مسلسل ۹۹۱۵، سال ۱۳۸۸ و همچنین گزارش سازمان بازرسی کل کشور در خصوص سهم بخش غیردولتی از واگذاری سهام دولت در شرکت‌ها پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، موضوع نامه شماره ۱۵۴۵۴۷، مورخ ۱۳۹۰/۱/۱۷).

است تا برخی از نهادهای عمومی غیردولتی از شمول مفاد قانون برگزاری مناقصات مستثنا شوند. به بیان دیگر عبارت «در مواردی که آن بنیادها و نهادها از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند» باید بعد از عبارت «بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی» می‌آید که به اشتباه بعد از عبارت «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی» آمده است. این موضوع به مستثنا شدن برخی از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از مفاد این قانون منجر شده که خود موجب بروز نوعی تبعیض در نحوه و چگونگی برگزاری معاملات مناقصه‌ای بین مؤسسات عمومی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی شده است.

با توجه به حجم فعالیت‌ها و سهم بالای مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی^۱ در اقتصاد ایران استثنا کردن آنها از شمول قانون برگزاری مناقصات می‌تواند با گسترش برخی از انحصارات، زمینه نقض اصل رقابت در معاملات اقتصادی این گروه از مؤسسات و نهادها را زایل کند و در نهایت موجب دور ماندن اقتصاد از کارایی در فرایندهای تولید شود. شمول قوانینی از این دست برای بعضی از بخش‌های اقتصادی در واقع ایجاد نوعی محدودیت همراه ضابطه‌مند کردن فعالیت و معاملات این بخش‌ها با قوانین و مقررات (مانند قانون برگزاری مناقصات) مورد نظر است.

اما در شرایط برابر، عدم شمول و استثناء شدن برخی از بخش‌های دیگر (مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی) در واقع ایجاد نوعی فضای عمل آزاد برای آنها در فعالیت‌های اقتصادی است. این امر می‌تواند هزینه فعالیت گروه اول را افزایش و گروه دوم را کاهش

۱. مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد ایران طی قوانین مختلف ایجاد شده‌اند. شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنها در صورتی که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به شهرداری باشد، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، هلال احمر، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته ملی المپیک ایران، بنیاد ۱۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، مؤسسه جهاد نصر، فدراسیون ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، بنیاد امور بیماری‌های خاص و سازمان دانش‌آموزی با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی به مؤسسات عمومی غیردولتی تبدیل شده‌اند.

دهد. این امر علاوه بر مخدوش کردن اصل رقابت می‌تواند زمینه بروز فساد را افزایش دهد. به هر ترتیب همه این عوامل در کنار هم می‌توانند زمینه مناسبات و کارکرد بازار رقابتی را مختل کرده و بازار را از نقطه بهینه عملکردی دور سازد.

۲-۲-۳ مستثنا بودن نیروهای مسلح

در تبصره ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات تصریح شده نیروهای مسلح، تابع مقررات و ضوابط خاص خود است و از شمول این قانون مستثنایند. براساس مفاد این تبصره، معاملات و مناقصات نیروهای مسلح در پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات درج نمی‌شود. این امر علاوه بر از بین بردن اصل آزادی و شفافیت اطلاعات اقتصادی، زمینه‌های رانت و تبعیض اقتصادی در بین فعالان و عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات به نیروهای مسلح را ایجاد می‌کند. استدلال سیاستگذار این است که با توجه به شرایط خاص و محرمانه بودن برخی از معاملات نیروهای مسلح، ضرورت ایجاد می‌کند معاملات نیروهای مسلح با حفظ برخی از شرایط محرمانه بودن و بدون درج اطلاعات آنها صورت گیرد. اما باید توجه داشت که این موضوع در بند «ح» ماده (۲۹) قانون برگزاری مناقصات مورد توجه قرار گرفته است و می‌توان با استثنا کردن معاملات محرمانه با تشخیص برخی از مراجع قانونی (مانند هیئت دولت) معاملات غیرمحرمانه نیروهای مسلح را مطابق با مفاد و مقررات قانون برگزاری مناقصات انجام داد. با توجه به اینکه نیروهای مسلح واحدهای دریافت‌کننده برخی از کالاها و خدمات از طرف عرضه‌کنندگان این کالاها و خدمات‌اند، بنابراین اتخاذ چنین رویکردی (استثنا کردن معاملات نیروهای مسلح از شمول قانون مناقصات) می‌تواند منافع و رانت‌های اقتصادی بالایی را نصیب برخی از عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات کند. علاوه بر این، محدود کردن دایره عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات ایجاد بازار انحصاری برای بخش محدودی از تولیدکنندگان کالاها و خدمات است که این امر می‌تواند هزینه‌های معاملات را برای خریداران کالاها و خدمات بالا برد و از طرف دیگر سطح کیفیت کالاها و خدمات را کاهش دهد.

۲-۲-۴ دعوت‌گزینشی از مناقصه‌گران صلاحیت‌دار

در ماده (۲۶) قانون برگزاری مناقصات، نحوه برگزاری مناقصات محدود بیان شده است. در بند «الف» این ماده تصریح شده که فهرست مناقصه‌گران صلاحیت‌دار توسط مراجع ذی‌صلاح دولتی معرفی خواهد شد. نحوه تهیه این فهرست با رعایت اصل رقابت بین تمامی مناقصه‌گران صلاحیت‌دار معرفی شده و با رعایت آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به تصویب هیئت وزیران رسیده باشد.

در آیین‌نامه اجرایی بند «الف» ماده (۲۶) به دستگاه برگزارکننده مناقصه این اختیار داده شده است که با تشخیص خود، برخی از مناقصه‌گران صاحب صلاحیت معرفی شده در فهرست را دعوت کند. این موضوع در واقع کنار گذاشتن بعضی از مناقصه‌گران صاحب صلاحیت ذکر شده در فهرست، از موضوع مورد مناقصه است. نتیجه چنین رویکردی مخدوش کردن اصل شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات کامل به همه فعالان اقتصادی در معاملات، افزایش هزینه انجام مناقصات، ایجاد امتیاز اقتصادی ویژه برای برخی از مناقصه‌گران، ایجاد بسترهای رانت اقتصادی و تبعیض میان فعالان اقتصادی است. بنابراین بهتر است برای جلوگیری از مخدوش شدن حقوق معاملات و رفع زمینه‌های سوءاستفاده و فساد، اطلاع‌رسانی به همه مناقصه‌گران واجد شرایط و دارای صلاحیت صورت گیرد.

۲-۲-۵ مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات

در بند «الف» ماده (۲۳) با عنوان مستندسازی و اطلاع‌رسانی، دولت موظف شده تا ظرف مدت یک سال بانک اطلاعات و پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات را ایجاد و اطلاعات و اسناد مربوط را ثبت و نگهداری کند.^۱ بررسی ساختار و طراحی پایگاه اطلاع‌رسانی

۱. به استناد بند «الف» ماده (۲۳) قانون برگزاری مناقصات مصوب مجلس شورای اسلامی که طی نامه شماره ۶۷۴۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ توسط رئیس محترم جمهور ابلاغ شد، دولت موظف گردید بانک اطلاعات و پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات را ایجاد و اطلاعات و اسناد همه معاملات اعم از مناقصه و ترک مناقصه را ثبت و در اختیار عموم ←

مناقضات به‌عنوان تنها پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی در خصوص معاملات مناقصه‌ای در اقتصاد کشور نشان می‌دهد که این پایگاه از کفایت لازم برخوردار نیست و دستگاه‌های اجرایی، اصل قانونی درج اطلاعات در این پایگاه را به‌درستی رعایت نمی‌کنند (حلاج، ۱۳۸۹).

با توجه به اهمیت برخورداری همه فعالان اقتصادی از جریان سیال و آزاد اطلاعات و اساسی بودن پیش‌فرض آزادی جریان اطلاعات در اقتصاد مبتنی بر رقابت به‌عنوان یکی از فروض اساسی بازار رقابت، بحث اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات در فرایند انجام و شکل‌گیری معاملات اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ضعف فرایند اطلاع‌رسانی به مخدوش شدن حقوق معاملات منجر شده است و علاوه بر پدید آوردن زمینه سوءاستفاده، موجب فاصله گرفتن اقتصاد و مناسبات آن از وضعیت رقابتی می‌شود.

این نارسایی‌ها می‌تواند با کم‌رنگ کردن رکن سلامت و شفافیت معاملات هزینه انجام معاملات اقتصاد را بالا برد و با محدود کردن طرف‌های عرضه‌کننده کالاها و خدمات به بازار (متقاضیان و خریداران کالاها و خدمات) قیمت‌های غیرواقعی و بالاتر را به اقتصاد تحمیل کند. نکته قابل توجه این است که با از بین رفتن شفافیت معاملات در اقتصاد، زمینه گسترش فعالیت‌های زیرزمینی و یا شکل‌گیری مناسبات ناسالم و آلوده به فساد نیز فراهم می‌شود. این شرایط می‌تواند به افزایش هزینه فعالیت‌های اقتصادی منجر شده و فرایند تخصیص کارآمد و بهینه منابع را مختل کند. این شرایط تولید اقتصاد را ناکارآمد و غیربهینه می‌کند.

در برخی از کشورها برگزاری و واگذاری مناقصه به‌عنوان تمهید و تدبیری برای کنترل و نظارت عمومی است. در کشور کره جنوبی افشای عمومی اسناد در شبکه اینترنت و انتشار

→ قرار دهد. براساس بند «الف» ماده (۱۸) آیین‌نامه اجرایی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات مصوبه شماره ۱۰۸۹۷۲/ت ۳۲۹۶۰ مورخ ۵/۹/۱۳۸۵ هیئت وزیران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف شد نرم‌افزار مورد نیاز برای ایجاد پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات را به‌منظور ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات معاملات در دستگاه‌های موضوع بند «ب» ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات تهیه و راه‌اندازی کند. بدین منظور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به ایجاد این پایگاه اقدام کرد. این پایگاه با آدرس <http://iets.mporg.ir/AboutUs.aspx> راه‌اندازی شد.

آگهی‌های خرید و اطلاعات مربوط به انتخاب نهایی پیمانکار و مقاطعه‌کار مورد نظر، شفاف‌سازی شیوه‌های معاملات را انجام می‌دهد. در نپال اطلاعات و اسناد مرتبط با مناقصات در روزنامه یا تابلوهای اعلانات تبیین می‌شود. در کشور استرالیا برای انعکاس اطلاعات مزایده و مناقصه‌های دولتی تا حد زیادی از اینترنت استفاده می‌شود (مؤسسه موج، ۱۳۸۹).

۲-۲-۶ حکمیت دعاوی و رسیدگی به شکایات

در مفاد ماده (۷) قانون برگزاری مناقصات هیئت با عنوان هیئت رسیدگی به شکایات به منظور رسیدگی به دعاوی بین مناقصه‌گر و مناقصه‌گزار پیش‌بینی شده است. در این ماده تشریح شده که اساسنامه این هیئت به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید. قانون اساسنامه هیئت رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

در ماده (۲) قانون اساسنامه هیئت، ترکیب اعضای هیئت مرکزی و ترکیب اعضای هیئت استانی رسیدگی به شکایات مشخص شده است. در جزء «۲» بندهای «الف» و «ب» ماده مذکور به ترتیب نماینده وزیر یا رئیس سازمان ذی‌ربط در سطح معاون و رئیس دستگاه مناقصه‌گزار از اعضای هیئت مرکزی و استانی است. این امر نوعی ارجای حاکمیت طرفین دعوا به یکی از دو طرف دعوا یا یکی از ذی‌نفعان تلقی می‌شود. این شرایط احتمال زایل شدن حقوق معاملاتی برخی از مناقصه‌گران را به دنبال خواهد داشت و هزینه انجام معاملات را افزایش خواهد داد. همچنین این موضوع می‌تواند به محدود شدن بخش خصوصی یا مناقصه‌گران در فرایند مطالبه حقوق خود و بالا رفتن هزینه‌های آنها در مقابل بخش دولتی منجر شود.

۲-۳ قانون بخش تعاون

اصل (۴۴) قانون اساسی اقتصاد ایران را به سه بخش اصلی دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم کرده است. بخش تعاون یکی از سه بخش کلی در قانون اساسی کشور معرفی شده است. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در سال ۱۳۸۴، تفسیر جدید از اصل (۴۴) قانون

اساسی و رویکرد تقسیم‌بندی اقتصاد ملی بین سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تغییر یافت. بند «ب» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، سیاست‌های کلی بخش تعاون را تبیین کرده است. این سیاست‌ها در یازده محور کلی و با اولویت‌هایی مشخص شده است.

افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجم، حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی همچون تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافتی اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی، رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمام عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه، تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقای سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور، حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش، حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا و ... بخشی از این محورها بوده است.

در این بخش از مقاله سعی شده است برخی از امتیازات و یا تبعیضات ارائه‌شده به بخش تعاون در مقابل سایر بخش‌های اقتصاد ملی بررسی شود. امتیازات ارائه‌شده به بعضی از بخش‌های اقتصاد در قالب قوانین اقتصادی یا رویه‌های اداری می‌تواند هزینه‌های تولید و ارائه خدمات این بخش‌ها را متأثر کند. این امر در واقع می‌تواند اصل رقابت اقتصادی در شرایط برابر بین بخش‌های مختلف اقتصادی را مخدوش و با کاهش دادن هزینه‌های بخش‌های دارای امتیاز، شرایط حضور و فعالیت بخش‌های رقیب در اقتصاد را سخت و یا غیرممکن کند. در ادامه به برخی از امتیازات ارائه‌شده به بخش تعاون در قوانین مختلف که به از بین رفتن و یا کم‌رنگ شدن اصل رقابت اقتصادی منجر می‌شود، اشاره شده است.

● در اقتصاد ایران ضوابط و قوانین فعالیت شرکت‌های اقتصادی در قالب قانونی با عنوان قانون تجارت^۱ صورت می‌گیرد. این قانون در واقع قواعد بازی، ضوابط، حقوق و

۱. قانون تجارت ایران مصوب سال ۱۳۱۱ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای اسلامی است. بخشی از این قانون در سال ۱۳۴۷ با ارائه لایحه‌ای در کمیسیون مشترک مجلس (مجلس شورای ملی و مجلس سنا) مورد اصلاح قرار گرفت. ۴

روابط فعالان اقتصادی با یکدیگر، دولت و دنیای خارج را مشخص کرده است. در ادامه برخی از مزایا و امتیازات ارائه شده به شرکت‌های تعاونی سهامی عام در مقایسه با شرکت‌های غیرتعاونی سهامی عام در برخی از قوانین (قانون بخش تعاون، مالیات‌های مستقیم و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی) در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ برخی از امتیازات قانونی شرکت‌های تعاونی سهامی عام در مقایسه با

شرکت‌های سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
۱	تخفیف حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل در این نوع شرکت‌ها به میزان ۲۰ درصد در قانون آمده است	جزء «۲» بند «ج» ماده (۹) ق.ب.ا.ا.۴۴*	هیچ نوع تخفیف بیمه برای این شرکت‌ها در قانون لحاظ نشده است
۲	تمام مشوق‌های قانونی دولت در راستای حمایت از بخش غیردولتی، برای شرکت‌های تعاونی سهامی عام ۲۰ درصد بیش‌تر است	بند «ب» ماده (۹) ق.ب.ا.ا.۴۴	چنین مشوق‌هایی برای شرکت‌های سهامی عام در قانون لحاظ نشده است
۳	ارائه مشاوره رایگان به این نوع از شرکت‌ها در راستای کمک به ارتقای بهره‌وری، آموزش، کارآفرینی، مهارت و کارآموزی	جزء «۳» بند «ج» ماده (۹) ق.ب.ا.ا.۴۴	چنین مشوقی برای شرکت‌های سهامی عام وجود ندارد
۴	پرداخت یارانه سود تسهیلات بانکی و سایر هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه برای این نوع از شرکت‌ها	جزء «۴» بند «ج» ماده (۹) ق.ب.ا.ا.۴۴	یارانه‌ای به سود تسهیلات شرکت‌های سهامی عام ارائه نمی‌شود

→ در سال ۱۳۸۴ نیز لایحه‌ای از طرف دولت تحت عنوان لایحه اصلاح قانون تجارت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده که این لایحه در مراحل بررسی و تصویب قرار گرفته است.

جدول ۱ برخی از امتیازات قانونی شرکت‌های تعاونی سهامی عام در مقایسه با

شرکت‌های سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
۵	کمک به انجام مطالعات، تهیه طرح، راه‌اندازی بانک اطلاعاتی، تملک و آماده‌سازی اراضی برای این نوع از شرکت‌ها	جزء «۵» بند «ج» ماده (۹) ق.ب.ا.ا. ۴۴	هیچ نوع کمکی از این نوع در این شرکت‌ها وجود ندارد
۶	شرکت‌های تعاونی سهامی عام از تسهیلات بانک توسعه تعاون به‌عنوان بانک تخصصی برخوردارند	بند «و» ماده (۹) ق.ب.ا.ا. ۴۴	این شرکت‌ها تحت حمایت هیچ بانک تخصصی قرار ندارند
۷	مالیات ابرازی این نوع از شرکت‌ها شامل ۲۵ درصد معافیت است	تبصره «۶» ماده (۱۱) ق.ب.ا.ا. ۴۴	هیچ نوع معافیت مالیاتی برای این شرکت‌ها در قانون تعلق نگرفته است
۸	تعاونی‌های سهامی عام می‌توانند از ظرفیت‌های قانونی صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون برای تضمین بازپرداخت تسهیلات بانکی در مواردی که توان تأمین ضمانت را نداشته باشند، استفاده کنند	تبصره «۱» بند «و» ماده (۹) ق.ب.ا.ا. ۴۴	حمایت به‌واسطه ضمانت تسهیلات برای شرکت‌های سهامی عام غیر از حمایت صندوق ضمانت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک وجود ندارد**
۹	کمک بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین تمام یا بخشی از آورده شرکت‌های تعاونی از اعضای آن که در زمان دریافت این حمایت، جزء سه دهک اول درآمدی جامعه باشند	جزء «۱» بند «ج» ماده (۹) ق.ب.ا.ا. ۴۴	در شرکت‌های سهامی عام این کمک‌ها و تسهیلات وجود ندارد

جدول ۱ برخی از امتیازات قانونی شرکت‌های تعاونی سهامی عام در مقایسه با شرکت‌های سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
۱۰	سهام اشخاص حقوقی سهام‌دار شرکت تعاونی سهام عام بیش از ۵ درصد نیست. حداکثر سهم تعاونی‌های فراگیر ملی و سهامی عام در شرکت تعاونی سهامی عام ۱۰ درصد است	جزء «۲» ماده (۱۲) ق.ب.ا.ا. ۴۴	چنین محدودیتی برای شرکت‌های سهامی عام وجود ندارد
۱۱	معافیت شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی از پرداخت حق تمبر (حق تمبر سهم شرکت‌ها دو در هزار ارزش اسمی سهام است)	ماده (۱۰۸) قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰	برای شرکت‌های سهامی عام این معافیت وجود ندارد

* عبارت اختصاری ق.ب.ا.ا. مخفف عبارت «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» است.

** صندوق ضمانت از سرمایه‌گذاری صنایع کوچک با هدف فراهم آوردن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک، کوتاه کردن مدت زمان اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و دارای توجیه اقتصادی، با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و تضمین و تسهیل در توثیق تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به صنایع کوچک تشکیل شد. قانون تأسیس صندوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۴ مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۰۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

همان‌طور که از اطلاعات ارائه‌شده در جدول ۱ قابل استنباط است، شرکت‌های تعاونی در اقتصاد ایران از تسهیلات، تخفیفات، امتیازات و مزایای بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی غیرتعاونی برخوردارند. این موضوع می‌تواند با تسهیل فرایندهای پیش روی شرکت‌های تعاونی، هزینه انجام فعالیت‌های این شرکت‌ها را کاهش دهد.

ارائه تخفیفات مالیاتی، معافیت از پرداخت حق تمبر، کمک‌های بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه، استفاده از ضمانت‌های صندوق تعاون در دریافت تسهیلات سرمایه‌گذاری، ارائه مشاوره‌های رایگان، ایجاد تسهیلات و بسترهای بازاریابی و بانک اطلاعات، آماده‌سازی اراضی برای فعالیت تعاونی‌ها و ... همگی از جمله عواملی به‌شمار می‌آیند که می‌توانند هزینه تولید در این نوع از شرکت‌ها را کاهش دهند. این امر باعث کاهش هزینه تولید کالاها و خدمات در این شرکت‌ها (با فرض ثابت بودن سایر شرایط) نسبت به هزینه‌های مشابه در شرکت‌های غیر تعاونی خواهد شد.

تمام فروض ارائه‌شده برای فعالیت در بازار رقابت کامل، در نهایت می‌تواند زمینه‌های یکسان‌سازی شرایط تولید و هزینه‌ها برای همه بازیگران عرصه اقتصادی را به‌وجود آورد. بنابراین برهم زدن شرایط یکسان و یا ارائه برخی فرصت‌های کاهنده هزینه‌های متوسط به برخی از فعالان اقتصادی (به‌صورت تبعیضی) می‌تواند بعضی از اصول اساسی رقابت مورد نظر بازار رقابتی را مخدوش و شرایط انحصاری برای برخی از فعالان اقتصادی را به‌واسطه امتیازات قانونی شده ایجاد کند.

۲-۴ قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد کشور

مناطق آزاد یا مناطق پردازش صادرات به‌عنوان راهکاری برای تغییر جهت کلی اقتصاد از درون‌گرایی به برون‌گرایی و تجارت آزاد، مورد استفاده اغلب کشورهای رو به توسعه قرار گرفته است. با توجه به نقش و اهمیت مناطق آزاد در فرایند توسعه و رشد اقتصادی برخی از کشورها و نیز تجربه این کشورها در استفاده از مناطق آزاد در جهش و رشد اقتصادی، سیاستگذاران اقتصادی ایران نیز با هدف استفاده از تجربیات موفق در این زمینه، قانونی با عنوان قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد کشور را به تصویب رساندند.

قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد کشور مشتمل بر ۲۶ ماده و ۴ تبصره در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید. در ایران نیز با توجه به ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه

و بالفعل اقتصادی برخی از مناطق و به منظور استفاده بهینه و کارآمد از این ظرفیت‌ها و همچنین تسهیل برخی از فرایندهای بهره‌برداری و به کارگیری پتانسیل‌های یادشده در مراحل توسعه و رشد اقتصادی، این مناطق به‌عنوان مناطق آزاد معرفی و فعالان آنجا مشمول قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد کشور شدند.

در این مناطق (مناطق آزاد) فعالان اقتصادی از برخی مشوق‌ها، امتیازات و قواعد خاصی برخوردارند تا بتوانند با استفاده از شرایط، امکانات و پتانسیل‌های موجود به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی کشور عمل و فرایند رشد اقتصادی را تسهیل کنند که البته به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی محل اشکال نیست.

مطالعه تجربه ایجاد مناطق پردازش صادرات (مناطق آزاد) در سه کشور آسیایی کره جنوبی، چین و هند و همچنین بررسی این تجربه در ایران و مقایسه اهداف، بستر شکل‌گیری، محتوای سیاست‌های انگیزشی و کمک این مناطق به توسعه صادرات در سه کشور یادشده و ایران نشان می‌دهد که کشورهای کره جنوبی و چین راهکار مناطق آزاد را در چارچوب راهبردهای کلی توسعه اقتصادی خود به کار گرفته‌اند و همین موضوع رمز موفقیت آنها بوده است. درحالی‌که در ایران هنگام تأسیس این مناطق از راهبرد توسعه مشخصی به‌ویژه توسعه صادرات، پیروی نشده است و به‌رغم در نظر گرفتن سیاست‌های انگیزشی مشابه کشورهای دیگر و حتی در مواردی بهتر از آنها، تاکنون مناطق آزاد نتوانسته است به‌عنوان ابزاری کارآمد برای توسعه صنعتی، افزایش صادرات و گسترش تجارت آزاد مورد استفاده قرار گیرد (التجایی، ۱۳۸۸). در ادامه سعی شده برخی از امتیازات ارائه‌شده در قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد کشور که به بروز تبعیض و برهم خوردن اصل رقابت در اقتصاد ایران منجر می‌شود، اشاره شود.

● براساس مفاد ماده (۱۳) قانون مناطق آزاد، اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت‌های اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت بیست سال از پرداخت مالیات بر درآمد و

دارایی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضای بیست سال تابع مقررات مالیاتی خواهند بود که با پیشنهاد هیئت وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید (البته این ماده معافیت مالیاتی را پانزده سال پیش‌بینی کرده بود که با ارائه لایحه قانونی و تصویب آن در مورخ ۱۳۸۸ مفاد ماده (۱۳) اصلاح و مدت معافیت به بیست سال افزایش یافت).

معافیت‌های مالیاتی نوعی ابزار و سیاست حمایتی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه حمایت‌ها و تسهیلات قابل ارائه به بخش‌های مختلف اقتصادی آثار و تبعات مختلفی در بخش مورد نظر و یا سایر بخش‌های مرتبط با آن بخش دارد، بنابراین باید در سیاستگذاری برای این نوع از حمایت‌ها توجه ویژه صورت گیرد و نتایج این اقدامات براساس تحلیل‌های هزینه - فایده بررسی شوند. استفاده از ابزارهای حمایتی و همچنین نحوه اعمال آنها از اهمیت قابل توجهی در امر سیاستگذاری برخوردار است.

عدم رعایت برخی از قواعد اقتصادی در قوانین، می‌تواند نتایج نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. ارائه معافیت مالیاتی پانزده ساله به فعالان اقتصادی در مناطق آزاد مبنای قانونی داشته است. قید زمانی مشخص شده برای معافیت‌ها و تسهیلات ارائه شده از طرف قانونگذار در این قانون، براساس یک منطق اقتصادی خاص شکل گرفته است و حمایت از صنایع و فعالیت‌های نوپا توجیه فنی و اقتصادی دارد. اما افزایش محدوده زمانی مشخص شده در اصلاحیه قانون چگونگی مدیریت مناطق آزاد توجیه نداشته و استدلال می‌شود که اگر بخش‌های اقتصادی فعال در مناطق آزاد در طول سال‌های معافیت‌های پانزده ساله نتوانسته‌اند به مزیت رقابت دست یابند، ارائه معافیت‌های طولانی‌تر به آنها علاوه بر اینکه نمی‌تواند هدف مورد نظر را محقق کند، بلکه به تخصیص غیربهبینه منابع در این مناطق منجر خواهد شد؛ چرا که سایر فعالان اقتصادی با توجه به معافیت پانزده ساله مذکور تصمیم گرفته‌اند در آن مناطق سرمایه‌گذاری نکنند. وقتی مدت معافیت و یا میزان آن تغییر می‌کند محاسبات آنها مخدوش می‌شود و این نوعی تبعیض بین آنها و فعالان مناطق آزاد محسوب می‌شود.

● بررسی قوانین متناظر با قانون مناطق آزاد در اقتصاد برخی از کشورها و مقایسه آن با قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در اقتصاد ایران نشان‌دهنده این واقعیت است که ارائه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی در این کشورها به فعالان این مناطق منوط به رعایت برخی از قیود مانند دارا بودن تکنولوژی بالا، الزام به ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، داشتن برخی از استانداردهای خاص مثلاً در زمینه آلودگی‌های زیست‌محیطی و ... شده است. این امر علاوه بر بسترسازی برای تحقق برخی از اهداف توسعه‌ای، ارائه تسهیلات کوتاه‌مدت و محدود را به پرداخت هزینه‌هایی از طرف فعالان اقتصاد برای اصلاح ساختار اقتصادی کشورها منوط کرده است. این شرایط شاید خود نوعی سوق دادن اقتصاد این کشورها به سمت رقابتی شدن فعالیت‌ها در بلندمدت باشد. بی‌توجهی به محدودیت زمانی معافیت‌های مالیاتی و استمرار آن در بلندمدت موجب تبعیض در قوانین مالیاتی و در نتیجه تبعیض بین فعالان اقتصادی می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۸۸، ۲۰۰۹۰۴۸).

● تسهیلات قانونی و امتیازاتی که به مناطق آزاد ارائه شده است تنها به معافیت‌های مالیاتی بیست‌ساله محدود نمی‌شود و فعالان این مناطق از امتیازات دیگری مانند معافیت‌های حقوق ورودی و تجارت کالا میان منطقه و خارج از کشور بدون تشریفات قانونی و گمرکی، معافیت از حقوق گمرکی برای واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات، ورود آسان همه کالاها، آزادی کامل ورود و خروج سرمایه، امکان ورود اتباع خارجی بدون اخذ رواید و برخورداری صددرصدی از مالکیت خارجی، عدم محدودیت در انتقال ارز، خدمات ویژه بانکی و بیمه‌ای و تسهیل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی و فرهنگی و ... برخوردارند.

نکته حائز اهمیت این است که یکی از شرایط و الزامات اولیه ایجاد مناطق آزاد وجود زیرساخت‌ها، ویژگی‌ها و شرایط معین محیطی و جغرافیایی و همچنین امکانات طبیعی آن مناطق (مانند دسترسی به آب‌های آزاد) است. اما در عمل مشاهده می‌شود که بعضاً مناطقی

با شرایط نامناسب و حتی فاقد زیرساخت‌های اولیه و ویژگی‌های محیطی به مناطق آزاد تبدیل شده‌اند. این موضوع به بالا رفتن هزینه‌های تولید در این مناطق منجر می‌شود و اقتصاد را از هدف مورد نظر سرمایه‌گذاری برای تشکیل این مناطق دور می‌کند.

در برخی از موارد حتی در ارائه امتیازات و تسهیلات قانونی بین برخی از مناطق آزاد کشور تبعیضات و تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال امتیاز تخفیف حقوق ورودی برای همه مناطق آزاد کشور برابر نیست و این خود تبعیض بین مناطق را در برخی از تسهیلات مناطق آزاد به وجود می‌آورد. این امر می‌تواند هزینه تولید و یا هزینه فعالیت اقتصادی در بین مناطق آزاد کشور را با یکدیگر متفاوت کند و منشأ بروز تبعیض بین فعالان اقتصادی در مناطق آزاد شود.

● فرایند دریافت مجوز قانونی برای تأسیس مناطق آزاد در اقتصاد ایران به گونه‌ای است که مسئولان سیاسی برخی از مناطق کشور بدون توجه به برخی از ویژگی‌ها، زیرساخت‌ها و شرایط طبیعی مورد نیاز برای تأسیس مناطق آزاد، توانسته‌اند رانت‌هایی را برای بخش‌هایی از برخی استان‌ها و مناطق کشور در قالب تأسیس مناطق آزاد ایجاد کنند که در بسیاری از موارد امتیازات ارائه‌شده به آنها متناسب با شرایط و امکانات آن مناطق نبوده است.

روند اضافه شدن مناطق آزاد در اقتصاد ایران در چند سال اخیر به گونه‌ای بوده است که در مدت محدودی تعداد این مناطق رشد چشمگیری داشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۲۰۱۰۴۴۱، ۱۳۸۹). این امر علاوه بر محدود کردن منابع مالی دولت از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی و حقوق ورودی در این مناطق، می‌تواند تبعیضات اقتصادی را بین فعالان اقتصاد در مناطق آزاد با سایر نقاط اقتصادی کشور ایجاد کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۲۰۹۷۵۲، ۱۳۸۸). این موضوع در خصوص مناطق ویژه اقتصادی نیز مصداق دارد. این مناطق نیز نسبت به سرزمین اصلی از مزایای مختلفی برخوردارند که به نوعی اعمال تبعیض میان مناطق ویژه با سرزمین اصلی برای دستیابی به اهداف خاص محسوب می‌شود (همان).

۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطابق متون کلاسیک اقتصاد، شرط اصلی رقابت، نه همگنی کالا و خدمات، نه اطلاعات کامل و نه صرف آزادی ورود و خروج، بلکه جان‌مایه رقابت، قیمت‌پذیر بودن عوامل اقتصادی است و شرط قیمت‌پذیر بودن این است که قیمت نسبی کالا و خدمات و همچنین عوامل تولید برای تمام بازیگران یکسان باشد. تنها در این صورت است که عملکرد آزاد نیروهای اقتصادی به تخصیص کارای منابع منجر می‌شود. تفسیر موسع قیمت‌های نسبی یکسان دلالت بر آن دارد که شرط رقابتی شدن اقتصاد وجود فرصت‌های برابر برای همه فعالان اقتصادی است. اگر اقتصادی به دنبال رقابت است باید معافیت‌های مالیاتی را حداقل کند و برای فعالان مختلف اقتصادی نرخ‌های متفاوتی وضع نکند؛ هزینه نسبی فعالیت در هر بازار را برای تمام فعالان یکسان کند و مانع و سبب ورود عده‌ای دیگر به یک بازار نشود.

در این مقاله با طرح این فرضیه که قوانین و مقررات حاکم بر فضای کسب‌وکار فرصت‌های یکسانی را برای فعالان اقتصادی در بخش‌های مختلف مهیا نمی‌کند، به‌طور موردی چهار حوزه قوانین مالیاتی، قانون برگزاری مناقصات، قوانین حاکم بر بخش تعاون و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد را مطالعه کردیم و به این نتیجه مشخص رسیدیم که در حوزه‌های مورد مطالعه، قوانین برای بازیگران اقتصاد در بخش‌های دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی فرصت‌های یکسانی را مهیا نمی‌کند، از این رو، فعالان اقتصادی بسته به نوع مالکیت و نوع فعالیت هزینه‌های مختلفی را متقبل می‌شوند. این وضعیت که به معنای نقض شرایط برابری قیمت‌های نسبی برای تمام فعالان اقتصادی است به آن منجر می‌شود که منابع اقتصادی در بهترین مورد استفاده‌شان به کار گرفته نشوند و شاهد اتلاف منابع در اقتصاد باشیم.

مهم‌ترین یافته‌های تحقیق که ادعای فوق را تأیید می‌کند بدین شرح است: ارائه برخی از معافیت‌ها، تخفیف‌ها و ترجیحات مالیاتی در قالب قانون مالیات‌های مستقیم به برخی از بخش‌های اقتصادی با فعالیت‌های اقتصادی گسترده در اقتصاد کشور، عدم توجه و رعایت

برخی از مسائل مرتبط با اصل رقابت اقتصادی در مفاد قانون برگزاری مناقصات مانند خلط شخصیت‌های دو طرف پیمان، مستثنا کردن مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نیروهای مسلح از رعایت قواعد حاکم بر برگزاری مناقصات، دعوت گزینشی از مناقصه‌گران صلاحیت‌دار، رعایت نکردن اصول و احکام مربوط به مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات (اصل شفافیت و قابل دسترس بودن اطلاعات اقتصادی) و عدم رعایت اصول مربوط در حکمیت دعاوی و رسیدگی به شکایات، ارائه برخی امتیازات و تسهیلات به برخی از فعالان اقتصادی بخش تعاون در قالب ارائه تخفیف ۲۰ درصدی حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل در تعاونی‌ها، شمول تمام مشوق‌های دولت برای حمایت از بخش غیردولتی به تعاونی‌ها، ارائه مشاوره رایگان برای ارتقای بهره‌وری، آموزش، کارآفرینی، مهارت و ...، پرداخت یارانه تسهیلات بانکی و سایر هزینه‌های سرمایه‌گذاری، کمک به انجام مطالعات در تهیه طرح، راه‌اندازی بانک اطلاعات، تملک و آماده‌سازی اراضی، برخورداری از تسهیلات بانک توسعه تعاون به صورت اختصاصی، معافیت ۲۵ درصدی تعاونی‌ها از سود ابرازی، استفاده از تسهیلات صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری، کمک بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و معافیت از پرداخت حق تمبر و همچنین در نظر گرفتن برخی از امتیازات و ترجیحات دیگر در قالب معافیت مالیاتی بیست‌ساله، معافیت از پرداخت حقوق ورودی و گمرکی، عدم محدودیت در انتقال ارز، خدمات ویژه بانکی و بیمه‌ای و تسهیل ثبت شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی و فرهنگی و ... در قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی به برخی از فعالان اقتصادی، از جمله این امتیازات‌اند که می‌توانند اقتصاد را از نقطه مطلوب و بهینه عملکرد رقابتی خود دور کند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که امتیازات تبعیض‌آمیز محدود به موارد فوق نمی‌شود و احصای آنها کاری است بسیار دشوار. ماده (۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) خواستار احصای این امتیازات و حذف یا تسری آنها به همه بخش‌ها شده ولی عملاً عملکرد آن در رفع تبعیض‌ها بسیار ضعیف بوده است. این ضعف ناشی از چند موضوع است:

اول اینکه قوانین بسیار پیچیده، ناسخ و منسوخ و تنقیح نشده است و به راحتی این امتیازات قانونی قابل احصا نیست. مثلاً اگر محقق در لوح حق که حاوی قوانین حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است در مورد معافیت‌ها مالیاتی جست‌وجو کند با انبوهی از معافیت‌ها مواجه می‌شود درحالی‌که بسیاری از آنها در قوانین دیگر حذف شده‌اند و معافیت‌های دیگری جایگزین آنها شده است.

دوم اینکه بسیاری از امتیازات غیررسمی است که در میان فعالان اقتصادی با عنوان امضاها یا طلایی از آن یاد می‌شود. دامنه این امتیازات چه‌بسا بسیار بیشتر از امتیازهای رسمی است ولی سازوکار تشخیص و اصلاح مناسبی برای رفع آنها تعبیه نشده است. سوم اینکه برخی از امتیازات ناشی از رویه‌های عملی و دستورالعمل‌های موردی است که گهگاه با اعتراض ذی‌نفعان هویدا می‌شود. نمونه بارز این موضوع درج انحصاری آگهی‌های دولت در روزنامه *ایران* بود که با اعتراض روزنامه‌های دیگر انحصار مذکور لغو شد. چهارم اینکه بعضی امتیازها ناشی از توجیهاتی چون حمایت از تولید ملی است که سال‌ها بدون توجیه اقتصادی ادامه پیدا می‌کند و کمتر کسی توان تغییر آنها را دارد و نمونه بارز آن حمایت بی‌چون‌وچرا از خودروسازان داخلی است.

منابع و مأخذ

- التجایی، ابراهیم (۱۳۸۸). «مناطق آزاد و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات، در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳۳.
- بانک توسعه آسیا (۱۳۸۹). سیاست‌های ضدفساد در آسیا و اقیانوسیه چارچوب قانونی و سازمانی مبارزه با فساد در بیست‌ویک کشور آسیا و اقیانوسیه، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۳). «چالش‌های نظام مالیاتی در اقتصاد ایران»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال یازدهم، ش ۴۵.
- حلاج، شهرام (۱۳۸۹). «مشکلات حوزه قراردادها، پیمانکاری، مزایده‌ها و مناقصات و برخی از راهکارها»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۳۲۳.
- سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۸۹). کالبد شکافی اهداف وضع مالیات در ایران، ویرایش اول، معاونت برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی.
- سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۹۰). گزارش سازمان بازرسی کل کشور درخصوص «سهام بخش غیردولتی از واگذاری سهام دولت در شرکت‌ها پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی»، موضوع نامه شماره ۱۵۴۵۴۷، مورخ ۱۳۹۰/۱/۱۷.
- قانون اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰.
- قانون برگزاری مناقصات، مصوب ۱۳۸۳.
- قانون تجارت ایران، مصوب ۱۳۱۱ و اصلاحیه‌های آن.
- قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۲.
- قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های آن.
- قانون محاسبات عمومی، مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن.
- کميجانی، اکبر (۱۳۷۴). «تحلیلی بر مالیات بر ارزش افزوده و بررسی مقدماتی امکان اجرای آن در

اقتصاد ایران»، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه تمدید معافیت مالیاتی مناطق آزاد تجاری - صنعتی موضوع ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲»، دفتر مطالعات اقتصادی و انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۲۰۰۹۰۴۸.

_____ (۱۳۸۸). «گذر از اقتصاد دولتی به شبه‌دولتی»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۹۹۱۵.

_____ (۱۳۸۸). اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه ایجاد مناطق ویژه اقتصادی سهند مراغه، آستارا و سهلان»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۲۲۰۹۷۵۲.

_____ (۱۳۸۹). اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه ایجاد چهارده منطقه ویژه اقتصادی»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۲۲۰۱۰۴۴۱.

_____ (۱۳۹۰). «معافیت‌های مالیاتی و سهم آنها از کل درآمدهای مالیاتی»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۰۹۸۶.

وبگاه رسمی سازمان اقتصادی آستان قدس رضوی www.reorazavi.org.

"A Report on the Function of Public Procurement Markets in the EU: Benefits from the Application of EU Directives and Challenges for the Future" (2004)

Robinson Joan (1933). "The Economics of Imperfect Competition".

_____ (1934). "What is Perfect Competition?", *Quarterly Journal of Economics*.

www.tenderszeal.com

www.wto.org.